



کارگران جهان متحد شوید !



فروردین ۱۴۰۱ // شماره ۵ - ۲۰۶

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کار ، مسکن ، آزادی

- . آرایش نظامی و صف بندی در " مرحله دوم " حمله روسیه به اوکراین .
- . درهمبستگی و حمایت از کارگران اعتصابی هند.
- . خورشید در زادگاهش تاریک طلوع می کند.
- . تشدید بحران اقتصادی و تعرض ضد انسانی به حقوق و معیشت مهاجرین افغانستان.
- . ضرب و شتم و تحقیر اقلیت های «سینتی» و «روما» در اوکراین
- . آموزگار زحمتکشان
- . اعلاجه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر
- . حرکت های اعتراضی در امریکای لاتین بر علیه جنگ در اکرائین
- . تامین اجتماعی همه شمول

۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر را به جلوه ای باشکوه از
قدرت نمایی طبقه کارگر بدل کنیم!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

آرایش نظامی وصف بندی در ”مرحله دوم“ حمله روسیه به اوکراین

حمایت همه جانبه ناتو و کشورهای غربی از طرف دیگر به بن‌بستی منجر شده است، بن‌بستی که جنگ را در عرصه بین‌المللی درگیر و عمیق‌تر می‌کند و در نتیجه خطر تشدید تنش را افزایش می‌دهد.

ارتش روسیه آنچه را که دولت پوتین به عنوان ”مرحله دوم“ ”عملیات نظامی ویژه“ تعریف کرده است، به کار می‌گیرد. به یاد بیاوریم که پوتین با وجود هزاران بمب، کشته شدن هزاران سرباز روسی و اوکراینی و غیر نظامیان و میلیون‌ها پناهنده؛ و تخریب زیرساخت‌های اوکراین، هنوز از خواندن آن بعنوان جنگ امتناع می‌ورزد.

اما مهم‌ترین پیشرفت، به بیان دقیق، در میدان نبرد نیست، بلکه از سطح مشارکت بیشتر در سمت اوکراین توسط قدرت‌های ناتو، به ویژه ایالات متحده، ناشی می‌شود که می‌تواند مسیر جنگ را باز تعریف کند.

مرحله دوم تهاجم روسیه که در اواخر مارس آغاز شد، تا حد زیادی نشان دهنده اتخاذ استراتژی معتدل تری از سوی روسیه بود. از حمله رعد اسای شکست خورده ای که شهرهای بزرگ را هدف قرار داد، تا تمرکز مجدد بر منطقه دونباس و از آنجا، در نهایت به کنترل روسیه بر شرق و جنوب اوکراین رسید. این واقعیت که اکنون صحنه عملیات

بر روی دونباس متمرکز شده است، به این معنا نیست که روسیه بمباران شهرهای اوکراین را که از آنجا عقب نشینی کرده است، متوقف کرده است. روسیه بدون این که جلوتر

و زحمتکشان و حقوق‌بازنشستگی، غیره از دست داده است، باز یابد. اتفاقی که در سال ۲۰۱۴ با الحاق کریمه کارساز شد و فکر می‌کرد می‌تواند این ترفند را تکرار کند.

وضعیت اسفبار مردم دونباس برای پوتین و الیگارش‌های روسیه اهمیتی ندارد، آنها از جمهوری‌های دونتسک و لوهانسک به عنوان تغییرات کوچک برای دستیابی به اهداف خود در اوکراین استفاده می‌کنند.

ریاکارانه‌تر از اظهارات پوتین و طبقه حاکم بر روسیه در مورد توجیهات این حمله، اشک تماشای کشورهای غربی و ناتو به رهبری ایالات متحده آمریکا و صدای رسوایی رسانه‌های انحصاری شان است. آنها با صدای بلند تهاجم روسیه به اوکراین را به این دلیل که ”حاکمیت ملی“ و ”قوانین بین‌المللی“ را نقض می‌کند، محکوم می‌کنند. کسانی که خود سابقه طولانی و خونین نقض ”حاکمیت ملی“ سایر کشورها و به اصطلاح قوانین بین‌المللی شان دارند. کسانی که خود شنیع‌ترین فجایع را در افغانستان، عراق، لیبی، و ... انجام داده‌اند. آنها طوری فریاد و مصیبتا سر می‌هند که انگار خود در برپائی این جنگ نقشی ندارند، چه در شرایط و بحریکات قبل از جنگ چه بعد از جنگ که با ارسال سلاح آتش جنگ را هر لحظه شعله‌ور تر می‌کنند.

اکنون بیش از دو ماه از حمله روسیه به اوکراین سپری می‌شود. شکست پوتین در به دست آوردن یک پیروزی سریع از یک سو، و مقاومت اوکراین البته با سلاح‌های ارسالی و

در اوایل صبح روز ۲۴ فوریه، ارتش روسیه عملیات نظامی را علیه اوکراین آغاز کرد و به واحدهای نظامی، سیستم‌های دفاع هوایی و انبارهای مهمات حمله کرد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در پیامی ویدئویی، این عملیات را با استناد به درخواست جمهوری‌های دونباس مبنی بر درخواست حفاظت نظامی توجیه کرد. او گفت که هدف از این ”عملیات ویژه“ اشغال اوکراین نیست، بلکه غیرنظامی کردن آن و «فاشیسم زدایی» است.

واقعیت این است که برخلاف توجیهات پوتین و طبقه حاکم بر روسیه که البته برای ”محور مقاومتی‌ها“ی ایرانی و بین‌المللی جدابیت دارد و همه جانبه از آن دفاع می‌کنند، پوتین توهمات عظمت امپراتوری دارد. الگوی او امپراتوری تزاری است نه انترناسیونالیسم شوروی، او خود را در نقش نوعی تزار می‌بیند که از خط امپراتوری روسیه قبل از ۱۹۱۷ و شوونیسیم بزرگ ارتجاعی روسیه پیروی می‌کند.

این تصور باطل که چنین شخصی به نمایندگی از الیگارش‌های روسیه می‌تواند هر نوع نقش مترقی را در اوکراین و منطقه ایفا کند، و در مقابل سیستمی که خود او و طبقه ای که به آن تعلق دارد بخشی از آن است قد علم کند، کاملاً مضحک است.

او امیدوار بود با برافروختن شور ناسیونالیستی، محبوبیتی را که در چند سال اخیر به دلایل مختلف از جمله بحران اقتصادی، سرکوب، تعرض به حقوق کارگران

رود، درست زمانی که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل در حال بازدید بود، چندین موشک به کیف، پایتخت اوکراین پرتاب کرد. هیچ تعبیری برای خواندن آن اقدام جز به عنوان یک پیام سیاسی و اختطاری خطاب به قدرت های غربی وجود ندارد.

استراتژی کرمیلین با توجه به آسیب پذیری های آشکار در مرحله اول جنگ و فرسودگی نظامی و اقتصادی که قبلاً از تأثیر تحریم ها احساس می شد، محتاطانه شده است. اما این یک استراتژی تهاجمی باقی می ماند و نشان می دهد که دولت پوتین قصد دارد موقعیت خود را تا زمانی که شرایط مذاکره فرا رسد، بهبود بخشد. مذاکرات رسمی پس از آخرین تلاش ناموفق در ترکیه متوقف شده است، اگرچه کانال های جایگزین همچنان باز هستند. اما سادلوحانه خواهد بود اگر تصور شود این جنگ لزوماً با یک توافق دیپلماتیک خاتمه خواهد یافت.

نقشه های جنگ نشان می دهد که روسیه به پیشروی در مسیر خود ادامه می دهد - حتی اگر آهسته و با مشکلاتی همراه باشد. پس از نزدیک به دو ماه محاصره، سرانجام نیروهای روسی کنترل شهر بندری ماریوپل را به دست گرفتند، به جز کارخانه فولاد آزوفاستال، میراث اتحاد جماهیر شوروی که در آن تعداد نامشخصی از غیرنظامیان و اعضای هنگ آزوف، گردان متشکل از شبه نظامیان راست افراطی اوکراینی پناه گرفته اند.

آزوف استال دارای هزار تویی ۲۴ کیلومتری از تونل ها و معابر زیرزمینی است. قدمت شبکه عظیم پناهگاه ها و تونل ها که در زیر این مکان وجود دارد به دوران شوروی باز می گردد. در آن زمان این مجتمع فولاد به پناهگاه های اتمی مجهز شد با این حال علاوه بر این دالان ها، قبل از آغاز جنگ، اوکراینی ها با ایجاد انبارهای آب و غذا در آزوفاستال خود را برای حمله روسیه آماده کرده بودند و

بعد از شروع جنگ و قبل از بسته شدن حلقه محاصره بیش از ۵۰ روز فرصت داشتند تا آن را تقویت کنند، امری که از نظر ژنرال های روسی به دور نبود و دقیقاً به همین دلیل محاسبه کردند که حمله همه جانبه به کارخانه فولاد به معنای نبردی خونین با تلفات بسیاری خواهد بود، بنابراین آنها به سادگی بمباران هوایی را انتخاب کردند، هر خروجی از سایت را مسدود کردند و منتظر ماندند تا نیروهای که در آن محل مقاومت می کنند مهمات و مواد غذایی شان ته بکشد بنابراین، پایان محاصره فقط موضوع زمان است.

ماریوپل، تا کنون، بزرگترین موقعیت استراتژیک است که ارتش روسیه در اوکراین به دست آورده است. این به خاطر خود شهر نیست که به ویرانه تبدیل شده است بلکه به این دلیل است که اوکراین راه خروجی خود را به دریای آزوف از دست داده است و روسیه پلی زمینی را به دست آورده است که شبه جزیره کریمه را به جمهوری های دونتسک و لوگانسک متصل می کند.

از نظر نظامی، سقوط ماریوپل راه را برای نیروهای روسی هموار کرد تا در شرق مستقر شوند، جایی که روسیه هنوز نتوانسته است کنترل دونتسک را تضمین کند.

این وضعیت سناریوهای مختلفی را باز می کند. بطور مثال بر اساس محافظه کارانه ترین تخمین ها، پوتین می تواند ادعا کند که کنترل منطقه دونباس - و کریدوری که آن را به کریمه متصل می کند - پیروزی "عملیات ویژه" او در اوکراین است، اگرچه این به خودی خود به معنای پایان کار نیست و جنگ می تواند به اشکال دیگر ادامه یابد.

اما یک فرضیه جسورانه تر دیگر وجود دارد: اینکه پوتین ممکن است تشدید تنش را اعلام کند و اهداف ارضی خود را به سمت ترانس نیستریا، منطقه کوچک جدایی طلب

مولداوی گسترش دهد. این امر تهاجمی روسیه را به سمت غرب، تا مرز با رومانی - یعنی تا دروازه های اتحادیه اروپا خواهد برد. اگرچه اشاره های مکرر فرماندهی روسیه به مولداوی به گمانه زنی ها درباره چنین تنش هایی دامن می زند، به نظر می رسد که روسیه نتواند آن را اجرا کند. دو دلیل وجود دارد. اول، ارتش پوتین نتوانسته کنترل مناطقی را که قبلاً اشغال کرده است و جایی که با مقاومت اوکراین مواجه است، برقرار کند. دوم، هر گونه گسترش جنگ به ترانس نیستریا مستلزم فتح شهر بندری اودسا است که می تواند روسیه را در معرض گسترش بیش از حد نظامی ناپایدار قرار دهد.

در حالی که هیچ ارقام دقیق و مستقلی برای تأیید اطلاعاتی که هم «غرب» و هم روسیه به عنوان بخشی از زرادخانه های جنگی خود استفاده می کنند وجود ندارد، برخی اژانس های نظامی تخمین می زنند که ارتش روسیه ۲۵ درصد از ظرفیت عملیاتی خود را در هفته های اول جنگ از دست داده است.

این در حالی است که آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل سابق ناتو در مصاحبه ای اعتراف کرد، قدرت های غربی اشتباه مضاعفی مرتکب شده اند: «جاه طلبی های ولادیمیر پوتین» و «قدرت ارتش روسیه را دست کم گرفتند»

به نظر می رسد که این افشای ضعف های استراتژیک ارتش روسیه - و مقاومت بیشتر از حد انتظار اوکراین - بر قدرت های امپریالیستی، به ویژه ایالات متحده، تأثیر گذاشته است تا فرصتی استراتژیک را در تهاجم روسیه به اوکراین درک نکنند. این تغییر درک تا حدی تشدید قدرت های غربی را توضیح می دهد.

جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده، در

پایان ماه مارس در لهستان به طور ضمنی گفت که استراتژی ایالات متحده «تغییر رژیم» در روسیه است. این سیاست با سفر آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه ایالات متحده و لوید آستین وزیر دفاع ایالات متحده به کیف تبدیل شد. پس از ملاقات با زلنسکی، آنها یک راز آشکار را فاش کردند: این که نیروی محرکه واقعی امپریالیسم ایالات متحده «حاکمیت اوکراین» نیست، بلکه روسیه «تضعیف شده» در دراز مدت است.

در مصاحبه ای با سی بی اس نیوز، بن هاجز، فرمانده سابق ارتش ایالات متحده در اروپا، حتی صریح تر بود. او نه تنها گفت: «ما می خواهیم برنده شویم»، بلکه توضیح داد که این به معنای «در نهایت شکستن پشت توانایی روسیه برای نمایش قدرت در خارج از روسیه است.»

دولت بایدن به حفظ «خط قرمز» خود مبنی بر عدم ورود مستقیم به یک درگیری نظامی (هسته ای؟) با روسیه ادامه می دهد - به این معنی که «نداشتن چکمه روی زمین» یا شرکت در نبرد، برای مثال، تحمیل منطقه پرواز ممنوع بر فراز اوکراین. اما با وجود این محدودیت ها، ایالات متحده و ناتو مداخله خود را تشدید کرده و اهداف خود را گسترش داده اند و اکنون آشکارا پشت زلنسکی ایستاده و به عنوان فرماندهی نظامی-سیاسی طرف اوکراینی عمل می کنند.

این «فرماندهی» با ایجاد گروه تماس برای اوکراین که اولین جلسه خود را به ریاست آستین در پایگاه هوایی رامشتاین، پایگاه اصلی نظامی ایالات متحده در آلمان برگزار کرد، وضعیت سازمانی به خود گرفت. این شورای جنگ شامل ۴۳ کشور - نه تنها اعضای ناتو بلکه کشورهای «دوست» با ایالات متحده مانند ژاپن، اسرائیل و قطر است - و هر لحظه که لازم بدانند برای ارزیابی نیازهای نظامی اوکراین برای «برنده شدن» در جنگ

تشکیل جلسه می دهد.

از جمله تصمیمات اصلی این گروه این است که قدرت های غربی تدارک سلاح و مهمات به اوکراین و همچنین آموزش را افزایش دهند. نکته مهم این است که ناتو اکنون سلاح های تهاجمی سنگین را در اختیار ارتش اوکراین قرار خواهد داد. این زرادخانه شامل تانک های ضد هوایی Gepard از آلمان و تفنگ های هاویتزر از ایالات متحده و کانادا است.

با توجه به این جهت گیری تهاجمی، بایدن از کنگره خواست ۳۳ میلیارد دلار اضافی برای کمک های نظامی و اقتصادی به اوکراین تصویب کند - افزایشی تقریباً ده برابری از ۳.۵ میلیارد دلاری که امپریالیسم ایالات متحده قبلاً در دو ماه جنگ در اوکراین سرمایه گذاری کرده بود. این نشانه آشکاری است که ایالات متحده در حال آماده شدن برای درگیری طولانی مدت است.

مارکسیست ها باید بتوانند از فضای مه آلود و دروغین و تبلیغات جنگی طرفین درگیر در جنگ عبور کنند و دلایل واقعی درگیری را تحلیل کنند، اینکه چه چیزی باعث آن شده است؛ و منافع واقعی اقماری که از این جنگ ارتجاعی سود میبرد و در پس بهانه ها و توجیهات طرف های مختلف درگیر در این جنگ ارتجاعی نهفته است را برای کارگران و زحمتکشان آشکار کنند تا آنان تبدیل به سربازان پیاده نظام قدرت های درگیر در جنگ نشوند.

آر.ش. ح

فروردین ۱۴۰۱

«حیات سرمایه داری به تصاحب ارزش اضافی تولید شده بوسیله نیروی کار وابسته است در صورتی که در روند تولید ارزش اضافی و تصاحب آن اختلالی ایجاد شود و تولید کالا مختل شود و با سرمایه مالی بخش بیشتری از سود ناشی از اضافه ارزش را تصاحب کند، بحران رخ میدهد.»

در دو دهه گذشته انباشت سرمایه مالی رونق بورس های سهام، سرمایه های قماری به بروز

حباب های اقتصادی و در نتیجه بحران های سرمایه داری منجر شده است. مترویل ها و

نهادهای مالی، بانک ها و موسسات اعتباری وابسته بهم و تاثیر متقابل بحران و ورشکستگی

یکی بر دیگری به اختلال در زنجیره های بهم پیوسته موسسات مالی و صنعتی به بروز

بحران ۲۰۰۸ منجر شد و با توجه به جهانی شدن سرمایه و سیاست های اقتصادی مترتب

بر آن و نیز تلاش دول معظم سرمایه داری برای انتقال بار بحران به خارج از مرزهای

ملی، این بحران ها را به سرتاسر جوامع بشری تسری داد و در نتیجه رقابت برای

تجدید تقسیم مناطق نفوذ بمنظور تسلط بر بازارهای کالا، مواد خام و کار ارزان رقابت

بین امپریالیست ها را تشدید کرده و به جنگ و درگیری های نظامی منجر میگردد، همچنانکه

شاهد جنگ های متعدد رسمی و یا نیابتی در خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان بودیم و

اکنون نیز شاهد تشدید تضاد کشورهای نظیر آمریکا و متحدین آن از

یکطرف و چین و روسیه و متحدین آنها از سوی دیگر هستیم در عین حال شاهد تشدید

تضاد بین خود دول سرمایه داری متحدین و بلوک بندی های سیاسی و اقتصادی نظیر

اتحادیه اروپا و آمریکا و غیره هستیم.» (بخشی از گزارش سیاسی مصوب کنگره هفتم

سازمان منعقد در اکتبر ۲۰۲۱)

در همبستگی و حمایت از کارگران

اعتصابی هند

تشکلهای پایداری برخوردار شوند و بیشتر مبارزات کارگران ایران پراکنده و بدون سازماندهی و پشتیبانی سراسری است و در چنین شرایطی مسئولیت بزرگی بردوش کارگران پیشرو قرار دارد که به جای هدر دادن انرژی و وقت گرانبهای خود در اطاقهای اینترنتی، ضمن استفاده بهینه و با برنامه و هدفمند از شبکه های اجتماعی مدرن، از سازماندهی هسته ها و کمیته های مخفی و نیمه علنی در مراکز کارگری و محلات فقیرنشین غافل نمانند و بموازات مشارکت عملی در مبارزه طبقاتی به سازمانیابی کارگران پیشرو در این کمیته ها و هسته ها همت گمارند تا از هم اکنون پایه های محکمی برای تشکلهای صنفی و سیاسی آینده بوجود آید. دوم اینکه مطالبات محل کار و یا یک رشته از تولید که در شرایط بحرانی بسر میبرند و کارگران آن دست به اعتصاب و اعتراض زده اند، را با مطالبات سراسری گره بزنند تا توده های هرچه بیشتری از کارگران و زحمتکشان را نسبت به منافع درازمدت شان آگاه و از این طریق زمینه سازماندهی و اعتراضات همبسته و سراسری را آماده بکنند. ما فدائیان کمونیست بمتابۀ بخش کوچکی از کارگران پیشرو و کمونیست جنبش کارگری ایران ضمن اعلام همبستگی طبقاتی و انترناسیونالیستی با کارگران اعتصابی هند، خواستار حمایت متقابل و همبستگی مبارزاتی کارگران ایران و هند هستیم. و کارگران ایران را به پشتیبانی از مبارزات هم طبقه ای های خود در هند فرا میخوانیم.

پیروز باد اعتصاب عمومی کارگران

هند - زنده باد همبستگی جهانی

کارگران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۲ فروردین ۱۴۰۱

افروختن آتش جنگ در اکرائین به میلیتاریزه کردن فضای کشورها، گسترش نازیسم، ناسیونالیسم و نژادپرستی در سرتاسر جهان مشغولند و با محدود کردن آزادیهای سیاسی، بستن مطبوعات مخالف، با نشر خبرها و تحلیلهای متناقض و دروغ از یک طرف و تعرض به حقوق و معیشت توده های مردم به بهانه جنگ و تحریم از سوی دیگر برآندند تا بر بحرانهای و تضادهای داخلی خود سرپوش گذاشته و اعتراضات عمومی را مهار کنند. اعتصابات میلیونی کارگران هند با خواستها و مطالبات ضد سرمایه داری نکته درخشان و امیدوار کننده و بیدار باشی است برای همه کارگران جهان که برای رهایی از جنگ و کشتار و فقر و نداری باید کار را با طبقه حاکم کشور خود یکسره کنند. چراکه بدون سرنگونی انقلابی طبقات استثمارگر حاکم نه جنگ و کشتار پایان خواهد یافت و نه ستم و استثمار و بی حقوقی و فقر و نداری از جوامع بشری رخت برخواهد بست. اعتصابات گسترده و میلیونی کارگران هند درسهای زیادی نیز برای کارگران پیشرو ایران دربر دارد که میتوانند با تجزیه و تحلیل و آموزش از آن به ارتقاء سطح مبارزات و مطالبات جاری و اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران یاری رسانند. تردیدی نیست که وضعیت اقتصادی اجتماعی، سیاسی و سطح تشکل یابی کارگران هند با ایران قابل مقایسه نیست. کارگران ایران زیر سرنیزه دولت اسلامی برغم راه انداختن اعتصاب متعدد در سالهای اخیر اما تا کنون نتوانسته اند از

از روز دوشنبه بیش از دویست میلیون کارگر و زحمتکش هندوستان در یک اعتصاب سراسری ضمن طرح خواسته هایشان خشم و انزجار خود را از طبقه حاکم هندوستان و سیاست های ضد کارگری دولت "نادراندا مودی" ابراز کردند.

ده ها اتحادیه، سندیکا و مجامع کارگران و زحمتکشان در سازماندهی این اعتصاب شرکت کردند و از جمله خواستار متوقف شدن فروش اموال عمومی، کاهش تامین اجتماعی، لغو قانون کار دست پخت دولت ضد کارگری هند مبنی بر آزادی عمل سرمایه داران و شرکتها در تعیین دستمزد، افزایش ساعات کار، رواج قراردادهای موقت شدند. کارگران اعتصابی همچنین خواستار تامین اجتماعی همه شمول از جمله برای بیش از ۴۷۰ میلیون نفر نیروی شاغل غیررسمی و توقف تمام طرح های خصوص سازی شدند.

پیش از آغاز اعتصاب پلیس و مقامات امنیتی تلاش گسترده ای را برای متوقف کردن اعتصاب و یا محدود کردن دامنه آن بکار بستند اما کاری از دستشان ساخته نبود. کارگران صنعت، کشاورزی، خدمات، بیمه، پست و تلفن و راه آهن، کارمندان، شرکتهای نفت و پتروشیمی و حتی کارگران مغازه ها و مراکز تولید و فروش و حمل و نقل کوچک حول خواستها و مطالبات سراسری خود، نیروی عظیمی را گرد آورده و متحد شدند و با اقدامات متعدد از جمله بستن خیابانها و متوقف کردن قطارها و تظاهرات خیابانی برای تحقق خواست هایشان پای فشردند. در شرایطی که کشورهای امپریالیستی با



خورشید در زادگاهش تاریک طلوع می کند

مختلف حاکمیت در اشاعه اعتیاد و به جیب زدن سودهای باد آورده به قیمت تباه نمودن زندگی میلیونها نفر میشود.

شاید اینگونه تصور شود که قبل از سال ۵۷ و در دوران رژیم ستم شاهی اوضاع بهتر از آنچه امروز شاهد آن هستیم بوده، اما برخلاف کارت پستالی که بلندگوها و رسانه های همچون ایران اینترنشنال و من و تو از جامعه آن روزها به خورد بینندگان شان میدهند، بنابر آمار موجود کارنامه هر دو رژیم ستم شاهی و جمهوری اسلامی، در این مورد مانند سایر موارد یکی از دیگری سیاه تر است.

صنایعی است که سود بسیاری دارد و رژیم جمهوری اسلامی نه تنها نمی خواهد بر علیه ریشه کن کردن مواد مخدر، یکی از عوامل سیاه روزی توده های مردم تحت ستم و استثمار گامی بر دارد، بلکه گسترش و اشاعه مواد مخدر را علاوه بر اینکه برایش سودهای هنگفتی در بر دارد، بعنوان یکی از ابزارها برای بقای حاکمیت ننگین سرمایه و اسارت توده های مردم لازم میدانند. در همه " کشفیات " ستاد مبارزه با مواد مخدر " و مامورین جمهوری اسلامی، باندهای گرداننده چرخ تولید این مواد همیشه مجهول باقی می ماند و تنها اسامی عوامل حمل و توزیع مواد مخدر اعلام میگردد. ولی تولید و توزیع مواد مخدر همچنان ادامه می یابد و بر انبوه قربانیان روز بروز افزوده می شود. دلیل این امر در این است که قاچاق مواد مخدر نیز مثل تمامی مواردی از این قبیل، در دست باندهای حاکم خود جمهوری اسلامی است. کشف صدها کیلو مواد مخدر نیز تنها زمانی علنی می شود که درگیری داخلی این باندها منجر به بیرون افتادن مساله رقابت گروههای

بلوچستان، پهناورترین استان در ناحیه جنوب شرق کشور، استانی که موقعیت جغرافیایی ویژه ای دارد و دارای معادن نسبتاً غنی است و برای فعالیت های زراعی نیز در تمام فصول سال شرایط مساعد دارد، علاوه بر اینها بندر چابهار بعنوان یکی از بنادر مهم در جنوب ایران و در بخش شمالی دریای عمان، نیز در این استان قرار دارد. سروان یکی از شهرستانی های این استان است و به دلیل اینکه اولین نقطه در ایران است که خورشید در آن طلوع می کند به «زادگاه خورشید ایران» معروف است.

اما در زیر سایه سیاه ارتجاع رژیم جمهوری اسلامی خورشید سال هاست که در این منطقه سیاه و تاریک طلوع می کند و سیاست تبعیض سیستماتیک شب سرد و سیاهی را برای ساکنین این منطقه رقم زده است. لازم به یاد آوری است که سروان با دارا بودن نخلستان های عظیم و ۶۰ نوع خرما به عنوان قطب تولید خرما و بهترین خرمای مضافتی ایران را دارد.

صنعت تولید مواد مخدر و فروش آن یکی از

تشدید بحران اقتصادی و تعرض ضد انسانی به حقوق و معیشت مهاجرین افغانستان.

کارگران و زحمتکشان ونیروهای مترقی نباید در مقابل این بربریت عریان سکوت کنند!

تشدید بحران اقتصادی و گرانی و فقر روزافزون که به اعتراضات گسترده کارگران و زحمتکشان ایران منجر شده است را به گردن مهاجرین افغانستان بیاندازد.

مهاجر ستیزی و اشاعه نژادپرستی رژیم اسلامی بخشی از سیاستهای همیشگی سرکوب و بگير و ببندهایش در قبال طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی بوده است. دمیدن در شیپور ناسیونالیسم و رفتارهای راسیستی در راستای اعمال این سیاستهای فاشستی و ضد انسانی تلاشی رقت انگیز است. نباید اجازه داد که رژیم با فریبکاری و تحریک، از بخشی از توده های تحت ستم واستثمار و ناآگاه برای اعتقادات راسیستی و ضد کارگری اش بهره برداری کند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ضمن محکوم کردن اقدامات ضد انسانی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، توده های مردم ایران و بویژه تشکل های کارگری، معلمان، زنان و دیگر گروه های پیشرو جامعه را به دفاع از هم طبقه ای های افغانستانی خود و افشای نیت پشت پرده سردمداران نظام در تعرضات ضد انسانی به حقوق و معیشت مهاجرین و پناهجویان افغانستان فرا می خواند.

زنده باد همبستگی کارگران و

زحمتکشان ایران و افغانستان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۲ فروردین ۱۴۰۱

پناهندگان افغانستان در ایران براه افتاده است. چند روز پیش نیز نیروهای رژیم در مرز ایران و افغانستان چهار جوان افغان را با شکیلیک مستقیم گلوله به قتل رساند. نگاهی به برخی روزی نامه های کشور دلایل اصلی پشت پرده کمپین ضد انسانی علیه شهروندان افغانستان مقیم ایران را که تحت بدترین شرایط کاری و معیشتی بدون امنیت شغلی و حقوقی و جانی استثمار می شوند و محروم ترین و بی حقوق ترین کارگران و زحمتکشان را تشکیل میدهند، روشن میکند. وقتی روزی نامه هائی نظیر سلام و شرق زیرتیترهائی نظیر:

”تحمیل فشار مهاجرت افغانه بر دوش فقرای ایران توزیع غیرمستقیم یارانه بین افغانستانیها“ و یا تمام فضای سبز منطقه چیتگر دست افغانها ”مهاجرت بدون ضابطه افغانه به ایران می تواند کشور را درگیر کسری بودجه بیشتر کند...“ بازار مسکن ایران زیر فشار مهاجران ”انحصار بازار برخی مشاغل در دست افغانستانیهاست“ و یا مینویسند ”پیشروی افغانستانیها در تسخیر بازار کارگران ساختمانی ایران به حدی بوده است که در برخی فنون مانند نمای سنگ رومی، بازار را کامل از دست ایرانیها خارج کرده و اعداد گزافی برای دستمزد خود طلب می کردند و کار تا آنجا پیش رفت که کارگران ایرانی شاغل در این زمینه مجبور به تغییر شغل شدند.“

نشان میدهد که رژیم قصد دارد با گسترش سیستماتیک ناسیونالیسم و نژادپرستی،

اخیرا به بهانه کشته شدن دو طلبه آخوند در شهر مشهد و نسبت دادن آن به دو جوان افغان، تعرض ضد انسانی به جان و مال و زندگی مهاجرین و پناهندگان افغانستان در ایران افزایش یافته است. مطبوعات جیره خوار رژیم با دامن زدن به شونیسم و نژادپرستی زندگی این قشر از کارگران و زحمتکشان مهاجر را با خطرات جدی مواجه نموده اند. در چند روز گذشته شهرداران و مقامات استانهای مختلف بویژه استانهای جنوب با صدور دستور العمل های ضد انسانی خود نه تنها ورود افغان ها به این شهرها را ممنوع اعلام کرده اند بلکه از ساکنین شهرها خواسته اند از دادن کار به آنان خودداری نکنند. در همین رابطه معاون سیاسی و امنیتی استانداری بوشهر گفته است: ”باتوجه به ممنوعیت اتباع بیگانه در شهرهای عسلیوه، دیلم و گناره بکارگیری اتباع افغانستان از سوی شهروندان بوشهری خلاف است و با متخلفان برخورد می شود. وی پا را فراتر گذاشته و برای تحریک مردم علیه مهاجرین و پناهجویان افغان ادامه میدهد

”باتوجه باینکه تعدادی از اتباع افغانستان وابسته به گروه های داعشی هستند هرگونه مسامحه در این خصوص مخل آرامش کشور است“ در پی چنین اظهارات دروغ و تحریک آمیز و نژادپرستانه از سوی مقامات رژیم، تصاویر و فیلم ها و گزارشات متعددی از ضرب و شتم و شکنجه مهاجران و پناهجویان افغانستان پخش شد، در فضای مجازی نیز تحرکات گسترده ای علیه مهاجرین و

ضرب و شتم و تحقیر اقلیت‌های «سینتی» و «روما» در اوکراین

ارائه نشده است. بر اساس منابع مختلف، حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر از سینتی و روماها در اوکراین زندگی می‌کنند و اکثر آنها در فقر شدید و شرایط غیر انسانی بسر می‌برند، این اوضاع از آغاز جنگ تشدید شده و گروه‌های نئونازی را جسورتر کرده است تا روماها را با متهم کردن به غارتگری و خیانت به کشور هدف حملات خود قرار دهند و تصاویر و فیلم‌های آنرا نیز با افتخار در شبکه‌های اجتماعی خود منتشر کنند و صدای هم در اعتراض به این جنایات از صنعت حقوق بشری هم بلند نشود. آنچه که اکنون در اوکراین در جریان است توحش و گندیدگی سیستم منحنط سرمایه‌داری را بنمایش می‌گذارد که کمونیست‌ها و نیروهای چپ و انقلابی سالیان سال است بدرستی هشدار آنرا داده بودند. لازم به ذکر است که این توحش فقط توسط نئونازی‌های انجام نمی‌گیرد، تصاویر و فیلم‌های بسیاری از جنایات ارتش هر دو کشور اوکراین و روسیه و طرفداران‌شان در شبکه‌های اجتماعی وابسته به این نیروها منتشر شده است بطور مثال فیلمی از نیروی‌های وابسته به رمضان قدیروف که در کنار سربازان روسی در اوکراین حضور دارند منتشر شده است. در این فیلم نیروهای تکفیری را می‌بینیم که با شکنجه و تحقیر اسرای زخمی و با پخش قران در حال گرفتن عکس یادگاری هستند، کپی این رفتار را با اسرای ارتش روسیه گردان آروف البته به سبک و سیاق خودش، در شبکه‌های اجتماعی‌اش منتشر کرده تا نشان دهند که در این ماراتن جنایات و توحش از طرف مقابل‌شان عقب‌تر نیست.

بود که از سوی سوسیال ناسیونالیست‌ها یا نازی‌ها مورد شکنجه و تعقیب قرار می‌گرفتند. بیش از نیم میلیون آنها در اردوگاه‌های شکنجه آلمان نازی به قتل رسیدند و همچنان تا امروز در بیشتر کشورهای که حضور دارند، قربانی تبعیض و نژادگرایی هستند. اینکه این گروه از انسان‌ها که دارای فرهنگ و زبان مشترک هستند از کجا و چگونه به اروپای شرقی و سپس اروپای غربی آمده‌اند اصلاً اهمیتی ندارد چرا که در طول تاریخ انسان به دلایل مختلف از جمله جنگ و قحطی و غیره و برای زندگی و دستیابی به امکانات رفاهی بیشتر که حق هر انسانی است محل زندگی خود را ترک کرده‌اند و تا این توحش بر جوامع بشری حاکم است این روند کماکان نیز ادامه دارد.

اغلب تصور می‌شود که آنها در جایگاه‌های موقتی زندگی می‌کنند و تمام سال به عنوان «کولی» از یکجا به جای دیگر در رفت و آمد هستند. اما واقعیت چنین نیست، اکثریت آنها در کشورهای که زندگی می‌کنند با مشقت و مشکلات بسیار برای خود سرپناهی اختیار کرده‌اند و مانند دیگران به کسب و کارهای معمولی مشغول‌اند.

به دنبال پخش تصاویر ضرب و شتم و تحقیر آنان و خشم و انزجار نسبت به رفتار غیرانسانی با آنها، مقامات اوکراینی سعی کردند در ابتدا با این استدلال که انتشار این تصاویر بخشی از تبلیغات روسیه است انرا انکار کنند و یا در مواردی این افراد به دلیل انجام «سرقت» مجازات می‌شوند. آنها همچنین ادعا کردند که برخی از افرادی که علناً مجازات شدند، عوامل روسیه بودند. با این حال، هیچ مدرکی برای اثبات این ادعاها

«طبقه‌ای که اختیار وقت آزاد خود را ندارد و همه زندگی‌اش به غیر از ساعاتی که صرف حاجات ضروری مانند غذا و خواب و غیره می‌شود، بقیه‌اش صرف مراجعه برای سودسازی سرمایه است، زندگی‌اش بدتر از یک حیوان بارکش است. او فقط ماشینی برای تولید ثروت برای دیگران است، از لحاظ بدنی خورده شده و از لحاظ روانی ابله، اگر چه همه تاریخ مدرن نشان می‌دهد که سرمایه اگر متوقف نشود، بی‌پروا و بی‌رحم همه سعی‌اش را بکار می‌گیرد تا با تحت فشار قرار دادن همه طبقه کارگر آنان را به پائین‌ترین سطح حقارت برساند.»

(مزد، بها، سود - مارکس)

چندین تصویر و ویدئو ظاهراً از شهر لویو در غرب اوکراین در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که عمدتاً اعضای اقوام سینتی و روما را نشان می‌دهد که با چسب نواری به میله‌ها بسته شده و توسط اعضای گروه‌های نئونازی که اغلب تحت نظارت نیروهای مسلح اوکراینی هستند مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. در برخی از تصاویر صورت افراد بسته شده به تیرک‌ها با رنگ سبز آغشته شده و مکرراً به آنها شلاق می‌زنند.

«سینتی» و «روما» جزو گروه‌های هستند که دارای فرهنگ و زبان خاص خود‌شان می‌باشند و سالیان متمادی است که از جانب گروه‌های نژاد پرست و راسیست در کشورهای محل سکونت‌شان مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند اما نقطه اوج رنج‌های آنها زمانی

«ستاره سرخ»

«آموزگار زحمتکشان»



این قرار داد را باطل کرد و در اعلامیه ای اینگونه نوشت: «ما اعلام می‌کنیم که عهدنامه سِری راجع به تقسیم ایران محو و پاره شد و همین که عملیات جنگی خاتمه یافت قشون روس از ایران خارج می‌شود و حق تعیین مقدرات ایران به دست ایرانیان تأمین خواهد شد» کمی بعد تمام قوای روس بدستور مستقیم لنین مرزهای ایران را ترک کردند و به کشور خویش بازگشتند. علاوه بر شاهکار عملی لنین در خصوص انقلاب و برپایی حکومتی سوسیالیستی، نباید از آثار فوق العاده مهم و ارزشمند او در زمینه ی تئوریک نیز غافل شویم. لنین در طول حیاتش آثار زیادی نوشت. مجموع آثار ترجمه شده ی او به انگلیسی

کمونیست را به روسی ترجمه کند. تلاشهای چند تن از نزدیکان به ثمر نشست و او با آنکه در کلاسهای دانشگاه شرکت نکرده بود توانست در امتحان دانشگاه سن پترزبورگ شرکت کند و با نمره ی عالی موفق به کسب قبولی شد. کمی بعد همزمان با فعالیت در چند محفل مارکسیستی و نوشتن مقالاتی رادیکال در نشریات بعنوان دستیار وکیل مشغول به کار شد. نقطه ی اوج زندگی لنین اما در جریان انقلاب اکتبر رقم خورد. لنین از مدتها پیش دست به تشکیل حزبی مخفی و متشکل از روشنفکران متعهد به آرمان کارگری و نیز کارگران و دانشجویان پیشتاز کرده بود. رهبری تحسین برانگیز او که منجر به پیروزی انقلاب اکتبر در شوروی شد نتیجه ی سالها کار ایدئولوژیک و ترکیب آن با عمل گرایی منطقی و برنامه ریزی شده بود. لنین و انقلابیون در فوریه شکست خوردند و نتوانستند انقلاب را به سرانجام برسانند اما شکست در انقلاب فوریه نه تنها باعث دلسردی لنین و نیروهای انقلابی نشد بلکه با درس هایی فراوانی که از آن گرفتند توانستند در اکتبر اولین انقلاب سوسیالیستی تاریخ را جشن بگیرند. در چندین مورد نام لنین و ایران با هم گره خورده از جمله در مورد قرارداد تقسیم ایران میان انگلستان و شوروی، لنین پس از پیروزی انقلاب اکتبر

بیست و دوم آوریل زاد روز ولادیمیر ایلیچ لنین است کسی که شاید اگر نبود جنبش کمونیستی تا مدتها نمی‌دانست چه کسی را بعنوان الگوی عملی خویش قرار دهد. نخستین کسی که علم و عمل را در سوسیالیسم پیوند داد؛ مردی که اولین حکومت سوسیالیستی جهان را بنیان نهاد. قهرمانی که نامش هنوز هم لرزه بر اندام سرمایه داران جهان می‌اندازد، روشنفکری که افکارش تاریک‌ترین محافل انسانی و زاغه ها را درخشان می‌سازد. به دنیا آمدن در طبقه ی رعیت لنین را از کودکی با گرفتاری ها و زجرهای بی‌شمار فرودستان آشنا ساخت و او از همان دوران به دگرگون سازی وضع زندگی مردم می‌اندیشید. ورود لنین به دانشگاه و تحصیل در رشته ی ریاضی سرآغازی جدی بود برای آغاز مبارزات تئوریک و نیز اقدامات عملی. او با چند تن از دانشجویان دیگر انجمنی را تاسیس کردند و در آن از حقوق دانشجویان و مطالباتشان گفتند، چند تظاهرات علیه دولت برگزار کردند و همین موجب دستگیری و اخراج لنین از دانشگاه شد. خفقان شدید حتی باعث شد او تبعید شود و تمام این مسائل لنین را به سمت تحقیقی گسترده و پروژه ی مطالعاتی عظیمی کشاند. خواندن چند اثر از مارکس و انگلس او را در مسیر سوسیالیسم قرار داد و باعث شد لنین چند عنوان از جمله «مانیفست

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

نظام سوسیالیستی تجلی سازماندهی نوین جامعه ای است که مبنای آن پاسداری از حقوق انسانی و ایجاد شرایط رشد تمامی آحاد و اعضای جامعه بشری می باشد.

جامعه ای که هدف آن آزادی واقعی بشریت از تمامی قیود و مصائبی است که نظامهای طبقاتی تاکنونی به پای بشریت زنجیر کرده اند. این نظام اشتراکی تنها به تغییر در مناسبات اقتصادی و سیستم اداره جامعه خلاصه نمی شود، بلکه بطور همزمان وسیع ترین و بیگیرترین آزادیهای سیاسی و دستیابی به ارزشهای فرهنگی مناسب با این ساختار اقتصادی - اجتماعی را بوجود میآورد.

سوسیالیسم پایان راه و فراماسیون اجتماعی اقتصادی ثابتی نیست، بلکه دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم است. در این دوره سنت ها، آثار و عواقب جامعه کهن باقیست و بورژوازی سرنگون شده برای احیای مجدد قدرت با تمام قوا علیه حاکمیت استثمار شونده ها و ستمدیدگان تلاش خواهد کرد. به همانگونه که تجربه شکست بزرگترین انقلاب کارگری در شوروی نشان داد، مبارزه طبقاتی در دوران ساختمان سوسیالیسم ابعاد جدیدی به خود خواهد گرفت و به سوال کلیدی کی بر کی پاسخ داده خواهد شد. اما در این دوره و در جریان پیشرفت ساختمان سوسیالیسم انگونه که تجربه شوروی نشان داد، نه تصور از بین رفتن طبقات و ایجاد دولت عموم خلقی، گذار به جامعه کمونیستی را ممکن خواهد کرد و نه ایجاد دیکتاتوری و سرکوب بوروکراسی حزبی - دولتی و غیر سیاسی کردن مردم قادر است واقعیات مبارزه طبقاتی و مشکلات ساختمان سوسیالیسم را حل کند.

سوسیالیسم از آزادی و دموکراسی جدایی ناپذیر است. بیان آزاد اندیشه و عقیده و آزادی سیاسی و دخالت و تصمیم گیری مستقیم مردم در برنامه ریزی، تولید، مبادله و در امر سیاست، فرهنگ و غیره تنها ضامن پیشرفت سوسیالیسم و ساختمان پیروزمندانه آن است. انقلاب مداوم و حضور و نقش مستقیم مردم در صحنه تولید، برنامه ریزی و اداره امور در ساختمان آگاهانه سوسیالیسم، تنها وسیله ای است که پیروزی طبقه کارگر و دیگر توده های مردم را بر اقلیت استثمارگر تضمین خواهد کرد بطوریکه هیچ قدرتی را یارای در هم شکستن آن نخواهد بود.

کمونیسم و کمونیست در دسترس توده ها نبود!

ملک الشعرا بهار از شاعران و روشنفکران بزرگ ایران مینویسد:

“دو دشمن از دو سو ریسمانی به گلوی کسی انداختند که او را خفه کنند. هر کدام یک سر ریسمان را گرفته می کشیدند و آن بدبخت در میان تقلا می کرد، آنگاه یکی از آن دو خصم یک سر ریسمان را رها کرد و گفت: ای بیچاره من با تو برادرم و مرد بدبخت (ایران) نجات یافت. آن مرد که ریسمان گلوی ما را رها کرده لنین است” و در شعری می سراید: بلشویک است و یار لنین / خصم سرمایه و قلدری“

ابوالقاسم خان لاهوتی (پدر شعر نوی فارسی که تنها بدلیل گرایشات آشکار کمونیستی این عنوان را از او دزدیدند و در تاریخ ادبیات نامی از او ذکر نکردند!) میرزاده ی عشقی، فرخی یزدی و نیز بسیاری دیگر از متفکران و ادبای ایران آشکارا از انقلاب بلشویک ها در شوروی و لنین و تفکراتش استقبال کردند و آرزوی بهبود شرایط را در ایران با الگوپذیری از جامعه ی شوروی داشتند. در تاریخ مارکسیسم هیچ نامی نتوانسته آنقدر که لنین به مارکس نزدیک شد نزدیک شود امروزه مارکسیسم -لنینیسم برای چپ های سراسر جهان عبارتی بس آشناست. گرامی میداریم یکصد و پنجاه و دومین زادروز انقلابی بزرگ، آموزگار زحمتکشان؛ ولادیمیر ایلیچ لنین را و بار دیگر عهد میبندیم در راه رسیدن به عدالت، جامعه ای بی طبقه، دنیایی بهتر و سوسیالیسم ذره ای فروگذار نکنیم.

در بالغ بر ۵۴ مجلد به چاپ رسیده است. در ایران اما به دلیل خفقان و استبداد حاکمه تنها تعداد بسیار محدودی از آثار او به ترجمه و چاپ رسیده. هنوز هم با آنکه سالها می گذرد خواندن اثر فاخری چون “چه باید کرد” می تواند چراغ راهی باشد برای قرار گرفتن در مسیر تغییراتی انسان محور و عدالت سرشت. محبوبیت لنین و افکارش به توده های ستمدیده و زحمتکش جهان ختم نشد. روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان و شاعران سراسر جهان از او و نظریاتش با جان و دل استقبال کردند. در خود ایران نیز شاعران بسیاری به مدح او پرداخته و حمایتشان را از عقاید لنین اعلام کردند؛ عارف قزوینی در حرکتی جالب ایدئولوژی مارکسیسم و مذهب را پیوند داد و کاری را کرد که سالها بعد و در تاریخ معاصر خسرو گلسخی در دفاعیاتش مطرح ساخت.

عارف

میسراید:

ای لنین ای فرشته رحمت
قدمی رنجه کن تو بی زحمت
تخم چشم من آشیانه توست
پس گرم کن که خانه خانه توست
یا خرابش بکن و یا آباد
رحمت حق به امتحان تو باد
بلشویک است خضر راه نجات
بر محمد و آل او صلوات!

بیت آخر و اشاره ی استعاری به خضر و نیز صلوات به بزرگان دین حرکتی تبلیغاتی بود برای مبارزه با تبلیغات منفی علیه کمونیست ها که در جامعه ی عقب مانده ی ایرانی بیخدا و بی دین خوانده می شدند و هیچ معنی و مفهوم دیگری از



اعلایه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

بمناسبت اول ماه مه ۲۰۲۲ (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

حکومت‌های سرمایه داری به میدان بیایند، ادعای انقلابی خود را علیه نظم ویرانگر کنونی اعلام کنند، با صدای بلند علیه جنگ امپریالیستی و اهداف ارتجاعی آن حرف بزنند و پرچمدار واقعی توقف فوری جنگ شوند. همچنین ضروری است که سازمانها، نهادها و اتحادیه‌های کارگری با طرح شعار "قطع بیدرنگ جنگ"، "علیه جنگ سرمایه داران"، "علیه اکثریت مردم مخالف جنگ را به میدان بیاورند".

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن تبریک اول ماه مه به همه کارگران و آزادیخواهان جهان، کارگران ایران را به برگزاری گسترده مراسم‌های اول مه، اعلام تفرز از جنگ امپریالیستی، افشاء ماهیت ارتجاعی جنگ سرمایه داران، طرح خواسته‌های کلیدی از جمله دستمزد و حقوق پایه متناسب با یک زندگی انسانی، تشکلهای مستقل و خودگردان کارگری، تحقق آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک برای همگان، رهایی زنان از قید و بندهای پدر/مردسالاری و آزادی کلیه زندانیان سیاسی فرامی‌خواند.

کارگران جهان متحد شوید!

نه به جنگ امپریالیستی، نه به

میلیتاریسم!

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران!

لمللی

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

۱۱ آوریل ۲۰۲۲ / ۲۲ فروردین ۱۴۰۱

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) وهسته اقلیت

مشخص‌تر کارگران و مردم کشورهای درگیر جنگ هستند. طبقه کارگر خواهان توقف فوری جنگ است. این سیاست اما تنها با عمل اعتصابی و اعتراضی ممکن است که فی الحال هم طبقه‌ای‌های ما در ایتالیا و اسپانیا و یونان و بلاروس با واکنش‌های اعتراضی خود علیه جنگ آغاز کرده‌اند. بی تردید تغییر این شرایط نیازمند پاسخ طبقاتی و گسترش اعتراضات انترناسیونالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان منطقه و جهان است.

طبقه کارگر ایران به عنوان بخشی از طبقه کارگر جهانی در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رود که در قیاس با کشورهای مشابه در بدترین شرایط زیستی و معیشتی قرار دارد و با نا امنی شغلی، بیکاری وسیع و تورم افسارگسیخته، و فقر و فلاکت اقتصادی روبرو است. با این حال مبارزات کارگری در برابر این وضعیت، پیوسته گسترش می‌یابد. بیش از دوهزار اعتصاب و اعتراض تنها در سال گذشته، نمادی از مقاومت کارگران در برابر این شرایط است. مبارزه کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی، اعتراضات پرستاران، مبارزه بی وقفه کارگران هفت تپه و فولاد و نیز اعتراضات فزاینده و سراسری معلمان و بازنشستگان که با حضور گسترده زنان همراه بوده، نمونه‌هایی هستند از روند گسترش یابنده مبارزات کارگری. برآمد چندین خیزش بزرگ توده‌ای طی سال‌ها و ماه‌های گذشته، همانند خیزش‌های دی ماه و آبان و اعتراضات تهیدستان در خوزستان و کشاورزان اصفهان و نیز گسترش و تداوم مبارزات کارگران، نشان دهنده امکان گشایش‌های بزرگ سیاسی در جامعه ایران است. این امر تنها در صورتی امید بخش است که طبقه کارگر در مرکز این تحولات قرار گرفته و زمینه‌ساز تحقق آزادی و سوسیالیسم و پایان دادن به تبعیض و نابرابری و استثمار باشد.

در اول ماه مه امسال، طبقه کارگر و مردم تحت ستم، تبعیض و استثمار در ایران و کشورهای مختلف، باید علیه نظام و

کارگران جهان در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که هنوز از زیر فشار سیاست‌های اعمال ریاضت اقتصادی و پیامدهای دهشتناک پاندمی کرونا، کمر راست نکرده‌اند که دولت‌های سرمایه داری بار دیگر جهان را وارد جنگ و دورانی پرمخاطره و سرنوشت ساز کرده‌اند.

در شرایط کنونی سرمایه داری جهانی بیش‌تر از هر دورانی درگیر بحران ساختاری اقتصادی ورقابت و جنگ و ناامنی، در سراسر جهان است. در نتیجه این شرایط طبقه کارگر جهانی و بشریت محروم در سراسر کره زمین، فقر و فلاکت و بیکاری بیشتر را تجربه می‌کند و با تنگناهای اقتصادی و کشتار و بی‌خانمانی و گرسنگی و مشقات فراوانی روبرومی باشند. سرمایه داری بنا به ماهیت‌اش برای عبور از بحران و رونق مجدد بازار سود و سرمایه با پیش‌برد سیاست‌های ریاضت اقتصادی تلاش می‌کند بار این بحران را بردوش طبقه کارگر و زحمتکشان قرار دهد. با شروع پاندمی کرونا و اکنون جنگ دراکراین، این شرایط تشدید شده و هزینه جنگ، میلیتاریسم، بحران اقتصادی و گرانی فزاینده هزینه‌های زندگی را باید نیروی کار و زحمت بپردازند.

این یک جنگ امپریالیستی و ارتجاعی است که همه سویه‌های درگیر در آن دنبال منافع خود هستند. هم‌اکنون دولت‌ها و سیاستمداران بورژوا، با تهدید و استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی و اتمی، نفس‌ها را در سینه مردم جهان حبس کرده‌اند. اگر یک هدف اساسی این جنگ، بازتعریف نظم جدید جهانی و تعیین جایگاه و حوزه نفوذ قدرتهای سرمایه داری و میلیتاریزه کردن جهان است، هدف دیگر آن تحمیل عقب‌گردهای گسترده به طبقه کارگر و دستاوردهای جوامع بشری است. سیاست شرکت در جنگ و حمایت از یکی از بلوکها و دولت‌های درگیر، سیاستی سوسیال شوونیستی و ناسیونالیستی است. هر یک از طرفین درگیر در این جنگ پیروز شوند، بازنده‌اش، کارگران جهان و

“برای زندگی و صلح در سراسر جهان” حرکتهای اعتراضی در امریکای لاتین بر علیه جنگ در اوکراین



بایستی متوقف شود. اگر این جنگ ادامه یابد، همچنانکه شاهد آن هستیم، به انفجار کشیده خواهد شد طوری که شاید هیچکس نتواند در این بین باقی بماند که در این میدان کشت و کشتار گزارشی تهیه کند.”

“ما همه ضد جنگ هستیم و از صلح و همبستگی بین المللی تمامی خلقهای دنیا دفاع می کنیم.” این بخشی از بیانیه مشترکی است که از طرف سازمانها و جنبشهای سیاسی اجتماعی امریکای لاتین در تاریخ ۱۸ ماه مارس به زبانهای مختلف انتشار یافته است. حرکت کشاورزان بی زمین (م اس ت) در برزیل، حزب چپ “جبهه آمپلیو” از جمهوری دومینیک، بومی ها و مجامع مختلف سیاهپوستان امریکانشین و اتحاد چپ برای دموکراسی مردمی و سوسیالیسم از جامائیکا از جمله سازماندهنده گان این حرکت مهم در امریکای لاتین بر علیه جنگ هستند.

“ما برای پایان دادن به پیمان ناتو مبارزه می کنیم. به خاطر عملیات جنگی که ناتو در آفریقا، خاورمیانه، لیبی، عراق و سوریه

سراسر دنیا در جریان است.

بنابه گفته ارتش رهائیبخش زاپاتیستها، این تظاهرات آغاز یک حرکت سراسری بین المللی ست که با برگزاری آکسیونهای مختلف از جمله برگزاری تظاهرات، سازماندهی مراسمهای سیاسی، برگزاری فستیوالها و کنسرتهای موسیقی و تدارک نشستها در مناطق مختلف، انسانهای آزادیخواه و مبارز، گروه ها، احزاب، تشکلهای و جنبشهای سیاسی اجتماعی در مکزیک و در سراسر دنیا را دعوت به حرکتهای مشترک برای پایان دادن به این جنگ فراخوان داده است.

ارتش رهائیبخش زاپاتیستها از همان روزهای آغاز جنگ بر علیه حمله نظامی روسیه در اوکراین اعتراض نمود و همطراز اعتراض خود را بر علیه ناسیونالیسم حکومت اوکراین و خطرات بوجود آمدن یک بحران و وضعیت انفجارآمیز دیگری را اعلام کرد. زاپاتیستها همچنین خواهان حمایت از تمامی نیروهای متحد و مبارز و آزادیبخش و صلح طلب در اوکراین و روسیه بوده و فراخوان به ادامه تظاهرات بر علیه جنگ هستند. “جنگ

جمع وسیعی از سازمانهای مختلف و شخصیتهای سیاسی معروف در امریکای جنوبی اعتراض خود را بر علیه جنگ در اوکراین اعلام نمودند.

تظاهرات بزرگ ارتش رهائیبخش زاپاتیستها در چیپاس مکزیک شهر سان کریستوبال د لاس کاساس ات آل: در ایالات چیپاس بیش از ۵۰۰۰ از نیروهای ارتش رهائیبخش زاپاتیستها و نماینده گان کمیسیون ششم زاپاتیستها بر علیه “جنگ سرمایه داری جهانی” تظاهرات کردند.

“خروج ارتش روسیه از اوکراین”، “نه سلنسکی نه پوتین - پایان جنگ”، “جنگ سرمایه داری بایستی بر علیه خلقهای اوکراین و روسیه پایان یابد”، زندگی و صلح در جهان” شعارهایی بودند که در این تظاهرات در شهر سان کریستوبال داده میشد.

در تراکتها، پلاکاردها، سخنرانیها و بیانیه های این تظاهرات همچنین شعارهایی مبنی به اینکه جنگ نه تنها در اوکراین بلکه در فلسطین، کردستان، سوریه، در شیلی بر علیه مایوچو و بر علیه خلقهای بومی در



محکوم کردند. "حمله نظامی به اکرانین محکوم است. نیروهای انقلابی چپ، سازمانها و مردم صلح طلب بایستی بدون هیچ تعللی عقب نشینی فوری روسیه را از اکرانین فراخوانند و ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا را که نه تنها سیاست جنگ طلبی و مسلح شدن هر چه بیشتر را در دستور کار خود قرار داده است، بلکه در کنار نیمه مستعمره کردن اکرانین قصد به تصرف در آوردن روسیه و محاصره این کشور را پیش گرفته است، محکوم کنند. ناتو از زمان از هم پاشیده شدن شوروی با کشش و تسلط بر مناطق شرق اروپا، اعضاء خود را دو برابر کرده و نیروهای نظامی و راکت های خود را بر علیه روسیه نشانه گرفته است."

"ناتو یک تهدید جهانی برای بشریت در دنیا است." "بشریت بر علیه ناتو"

این نظرات، بیانیه ها و شعارهایی بوده که در حال حاضر جو سیاسی و اعتراضات بر علیه جنگ را در امریکای لاتین نشان میدهد. گزارش از طرف بخش بین الملل سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۳۱ مارس ۲۰۲۲

مردمی تلاش خود را برای ساختن یک جهان نو، جهانی بدون اعمال قدرت امپریالها و قدرت طلبان، بدون تسلط و اعاده قدرت و جهانی بدون تسلیحات اتمی به پیش می برند.

"نابود باد جنگها، پایان دهید به مرگ و فریب کاری و دروغ پردازی" شعارهایی ست که در بیانیه پایانی این اعتراضات به اطلاع عموم رسیده است.

در آرژانتین جنبشها، سازمانهای اجتماعی با تظاهرات گسترده ای سیاستهای امریکای شمالی را در جهت تشدید جنگ محکوم کردند و اتحادیه اروپا را در جهت تقویت این جنگ مورد اعتراض قرار دادند.

"تشدید جنگ برنامه ناتو" بدین شکل که روسیه را محاصره کرده و حکومت دست راستی اکرانین را بیشتر از پیش مسلحه نموده است. در بولیوی، برزیل، شیلی، کستاریکا، مکزیک، پرو، اروگوئه و ونزوئلا فراخوان به سازماندهی بر علیه جنگ را گسترش داده اند. در بیانیه های مختلف سازمانها و نیروهای اجتماعی خواهان خروج روسیه از اکرانین و همچنین نقش ناتو را در هر چه بیشتر مسلح کردن کشورهای غربی

مسبب شده، نمی خواهیم ناتو وجود داشته باشد. در اینجا در امریکای لاتین ناتو با داشتن پایگاههای نظامی که در مالونین در دست دارد و با حمایت از حکومت کلمبیا به حق تعیین سرنوشت خلقها تجاوز و حمله میکند. حکومت امریکای شمالی بایستی به جنگ افروزی هایش پایان دهد همچنانکه از سال ۱۹۵۰ در ۳۳ کشور دنیا با جنگ کشورها را به اشغال نظامی خود در آورده و باعث کشتن میلیونها انسان در سراسر دنیا شده است."

"جنگ ابزاری ست که با تمایل کشورهای ابرقدرت و سرمایه بین الملل، که در دست ابرقدرتها قرار دارد و تمایل صنایع عظیم نظامی سازماندهی و برنامه ریزی میشود و اینان بودجه های دولتی هنگفتی را برای این جنگها به تصویب می رسانند و با کشتار مردم سودهای کلانی به جیب می زنند."

"سازمان ملل متحد بایستی تجدید سازماندهی شود و نه تنها حکومتها بلکه بایستی مجامع، سازمانها و جنبشهای اجتماعی سیاسی نیز در این ارگان شرکت و نقش داشته باشند. سازمانها و جنبشهای

تامین اجتماعی همه شمول

تامین اجتماعی یکی از دست آوردهای مبارزات طبقه کارگر در یکصد سال گذشته بوده است. قوانین تامین اجتماعی بسته به توازن قوای طبقاتی در جوامع سرمایه داری دارای سطوح و شمولیت های متفاوتی است.

در نظام سرمایه داری کارگران تنها سهم کوچکی از ثروتی که تولید میکنند را بصورت دستمزد دریافت میکنند تا معیشت خود را تامین کرده و نیروی کار خویش را باز تولید کنند. دستمزد پرداختی در حدی است که کارگران بتوانند توسط آن مایحتاج اولیه خود را تامین کنند. این در حالی است که در هر کشوری نسبت به سطح تکامل آن کشور و سطح رفاه عمومی، دستمزدها باندازه ای نیست که کارگران از طریق پس انداز بتوانند در زمان بیکاری، پیری، از کارافتادگی، حوادث کار و زمانیکه به هردلیلی قادر به ادامه کار نیستند، از این پس اندازها برای ادامه زندگی خود استفاده بکنند.

لذا از هرنظر که بوضعیت کارگران و توده های زحمتکش مردم نگاه بکنیم و به روند شدت یابی بهره کشی سرمایه سالاران ایران از گرده زحمتکشان نظری بیافکنیم و ناگزیری پیاده سازی خشن سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی و تبعات آن را در نظر بگیریم، به این نتیجه میرسیم که سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری حاکم توسط طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم، البته راه حل نهائی خلاصی از تمامی مصائب ناشی از نظام سرمایه داری حاکم بر ایران است. اما این بدان معنی نیست که فوری ترین و عمده ترین مطالبات کارگران را که هم اکنون در تنگنای اقتصادی شدید برای تحقق آنها مبارزه میکنند مدنظر قرار نداد. یکی از کلیدی ترین این مطالبات در شرایط کنونی تامین اجتماعی همه شمول است که میتواند کلیه کارگران و زحمتکشان را در برابر نظام حاکم متحد کند.

برقراری تامین اجتماعی همه شمول در برابر فقدان تامین و تضمین شغلی، بیکاری، تورم و فقر و گرفتاریهای روزمره و تعرضات بی وقفه نظام حاکم، قدم بزرگی است به نفع کارگران و زحمتکشان جامعه و حلقه ای است که میتواند آنها را متحد کرده و توازن قوا را به نفع اردوی کار و زحمت تغییر دهد و لازم به گفتن نیست که در شرایط فعلی بهبود زندگی برای توده کارگران و زحمتکشان ممکن نیست مگر اینکه موج قدرتمندی از مبارزه تعرضی انقلابی علیه نظام حاکم برپا شود و در این میان خواست تامین اجتماعی همه شمول میتواند سنگربندی متحدی را بمنظور جنگیدن برای یک انقلاب پیرومند کارگری نیز بوجود آورد.

**نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در اloyت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید.**

kar@fedayi.org

**کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونیست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید:**

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرچ

karj@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورانی !